

۳ شعر از آزاده بشارتی

استاد محمد علی بهمنی امروز و در صفحه شعر جوان کتاب پلک‌های قفل شده سروده آزاده بشارتی را معرفی کرده‌است. بشارتی که هنوز ۲۰ بهار بیشتر تجربه نکرده اگر چه در آغاز راه‌است اما به قول بهمنی آثارش بسیار امیدوار کننده‌است.



کتابخانه

در یک کتاب خانه کوچک

یک مشت آرزو ... نرسیدن

به دست‌های کوچک تقدیر

هی خیره ... هیچ آنگر چه ندیدن

در یک کتاب خانه کوچک

چسبیده‌ام به پنجره‌ای که

دور از نگاه مردم این شهر

زل می‌زند به منظره‌ای که ...

زل می‌زند به چشم عجول

دیوارهای خسته / تر از غم

می‌خواهم از شکست بگویم

از تکه‌تکه‌های وجودم

از صندلی مضطربی که

می‌ترسد از نگاه غریبم

از ترس این که فقر نریزد

از وصله‌های خسته جیبم

به او که روی قله نشسته

می‌خواهم از شکست بگویم

از جلد جلد مهم تقدیر

که می‌دود بر هنه به سویم!

بابا

بعد هفده بهار آمده ای

که ببینی چه بر سرم آمد؟

دخترت شاعرست بابایی

دخترت شاعرست ... می‌فهمد !

شعله

اگر چه شعر به سمت من هزار مزرع غم آورد

لباس شعله به تن پوشید

کسی که دل به سخن وا کرد...

<p>هاشم کرونی / جام جم</p>
<div><div> </div><div>غزل به لهجه دریا</div></div>
<p>درباره مجموعه</p>
<p>«بیرندگان پراکنده‌اند انسان‌ها»</p>

نوشتن از فرهنگ و مفاهیم حوزه فرهنگ، از جمله عرصه ادبیات و هنر و خاصه شعر، بدون توجه به مفهوم محیط و بدون در نظر گرفتن نگره‌های بومی، ما را به نتیجه قابل قبول نمی‌رساند یا دست کم تصویری کامل و جامع به ما ارائه نمی‌کند.

در تعریف فرهنگ نیز به این مسأله توجه خاصی شده است. اصولاً نمی‌توان برای فرهنگ مانند سایر مقوله‌های کلان و مفاهیم ازلی، ابدی و کلی نمی‌توان به یک تعریف جامع رسید، اما برای این مفهوم تعاریف متعددی اعلام شده که در بسیاری از آنها، به نقش مهم محیط اشاره شده است. به عنوان مثال، دیدنی در ۱۹۴۷ در تعریف فرهنگ از نقش محیط طبیعی سخن می‌گوید: «فرهنگ بشری را در کل می‌توان فرآیندی پویا و حاصل خودپروری طبیعت بشری و همچنین محیط طبیعی دانست و شامل توسعه امکانات برگزیده از طبیعت برای رسیدن به هدف‌های فردی و اجتماعی زندگی است.»

کلاکن در ۱۹۵۱، فرهنگ را جنبه‌هایی از محیط کلی بشری می‌داند، چه پایدار و چه ناپایدار که به دست بشر آفریده شده‌است. به این اعتبار اگر بخواهیم در سرزمین شعر شاعری تفریح کنیم، ناگزیریم از توجه به محیطی که شاعر در آن رشد کرده، چراکه این محیط می‌تواند در پروسه سرایش، موثر باشد.

- بومی گرایی**

شاعران جنوب، از جمله ساکنان شهر شعرند که محیط زندگی بومی‌شان و جغرافیای زیست‌تورشد و دیار دلیران تنگستان، به خوبی در آثارشان نمود دارد. از جمله این شاعران محمدحسین انصاری نژاداست که «فصل پنجم»مجموعه‌ای از شعرهای او را با عنوان «بیرندگان پراکنده‌اند انسان‌ها» را به تازگی روانه بازار کتاب کرده‌است. شعرهایی که رنگ‌زینستگاه شاعر در آشکار و نهان آنان به چشم می‌خورد.

شاعر حدوداسی سساله این مجموعه‌اهل جنوب‌است و با دیار رشد کرده و بایوبی شرعی بزرگ شده‌است. عناصر بومی جنوب، علی‌الخصوص دریا و شر چی در شعرهای بسیاری از شاعران جنوب به چشم می‌خورد. مضامین گرم و برانگیزاننده‌ای که در شعر شاعران خونگرم و غیور جنوبی به چشم می‌خورد. انصاری نژاد نیز چنین تجربه‌هایی دارد.

سلام می‌کنم امواج را و می‌نگرم

به یاد چشم تو آشوب ماه و دریا را

کمی به لهجه آن روزها بخوان دریا

هوای ساحلی و فرصت تماشا را (بیرندگان پراکنده.../ص ۳۷)

- ساخت فضای مذهبی و ارزشی**

باباین همه نفس تصویر کردن محیط بومی، به خدی خوداتفاقی تازه نیست.اگر از اجزاهای مختلف یک مضمون واحد و تفاوت قدرتمندی و قوت‌ها بگذریم، باید در این میان به دنبال یک اتفاق قابل تأمل باشیم. اتفاقی از آن نوع که مثلاً اگر به همین شعرهای بومی و محلی (در فضای شعر و نه زبان) بنگریم، متوجه می‌شویم در برخی آثار، شاعر در پی آن است که‌از این عناصر بومی در ساخت فضای مذهبی ،آیینی‌وارزشی و انتقالی بهره بگیرد.

شعر جوان

غزل به لهجه دریا

درباره مجموعه

«بیرندگان پراکنده‌اند انسان‌ها»



شعرهای آیینی و متعددو انقلابی،بخش عمده‌ای از آثار انصاری نژاد را شامل می‌شود،اما نکته این که در صورت توجه جدی می‌تواندفصل ممیز و نقطه تمایز کار او از سایر فعالان این حوزه شود، همان گونه که در فضاهای موجودنیز همین مقدار بهره‌مندی، فضایی متفاوت را پدید آورده‌است. مثلاً به این شعر دقت کنید که تصویری است در ساخت فضایی از درد دل‌های حضرت مولا علی(ع) با چاه.

– هر روز در قابی از اشک، با شروه‌های غربیی

چشمان در پایی‌ات را بر ابرهای سپاری (بیرندگان پراکنده.../ص ۱۴)

یا:

–می‌رسد آسمان در آغوشش، می‌کند افتدبا به او دریا

با نگاهی به جشن ماهی‌ها، قد کشیده‌است با وضو دریا

رو به فانوس‌های دریایی، باز ساحل نشین شبگردی‌است

شانه‌های شقایق زخمی، چشم‌هایش خودت بگو، دریا!

(بیرندگان پراکنده.../ص ۶۶)

- فرزند حوزه علمیه**

یکی از نکات قابل تأمل در این شعرها، رویکرد شاعر به برخی مفاهیم به تبع تحصیلات حوزوی است. این روند را پیش از این زکریا اخلاقی در پیش گرفته‌وه با بهره‌مندی از

از شاعران این چر که به آن دست یازیده‌است.

- دایره وسیع زمانی**

از جمله نکات جالب دیگر این مجموعه، گستره وسیع زمانی، آن هم از منظر سرایش است. در نخستین صفحات، تاریخ زیر شعرها بیان‌ماه ۱۳۷۳ ذکر شده و این روند تا آخرین تاریخ یعنی ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸، یک گستره زمانی ۱۵ ساله را شامل می‌شود.

این مدت زمان نسبتاً طولانی، انواع و اقسام تجربه‌های شاعر را در خویش جای داده‌و در همین مجموعه کوتاه و نسبتاً کم حجم آن هم با توجه به این محدوده زمانی، شما می‌توانید نمونه‌های تقریباً متنوع و گوناگون از حیث تجربه و رویکرد را مشاهده‌نمایید.

این رونددر سال‌های نخستین هنوز با تجربه‌های شعر انقلاب از نوب دهه ۶۰قرابت دارد. به این نمونه‌ها بنگرید:

– در جنون باد و رقص خون و برق دشته‌ها

مردی از توفان میان سینه سنگرمی گرفت (بیرندگان پراکنده.../ص ۱۲)

– خاکستری از تنش گل سرخ نمانده‌است

با باغچه شبزده یکریز بسوزید (بیرندگان پراکنده.../ص ۱۶)

ترکیب‌هایی همچون «جنون باد»، «رقص خون»، «برق دشته‌ها»، «تنش گل سرخ»، «باغچه شبزده» و حتی تعبیرهایی همچون «مردی از توفان» و «میانه‌سینه سنگر گرتن» از جنس ترکیب‌سازی‌های آشنای دهه ۶۰ و نهضت ترکیب‌سازی‌است که سرمداران اصلی شعر دهه ۶۰ و در داس همه، زنده‌یاد مرحوم «نصرالله مردانی» در آن ید طولایی داشته‌است، حتی ترکیب «رقص خون» یادآور غزل معروف «رقص واز گون» اوست.

بحث روایت ونوعی تلاش برای ارائه آثار روایی وساخت روایت هم در آثار انصاری نژاد و غزل‌های اخیرش دیده می‌شود.

– کجای وسعتی از آفتابگردان‌ها

نشسته‌ای به تماشای ما پریشان‌ها

یا

– محو در گستره آبی نقاشی‌ها

غزلی چیده‌ام از زم زمه کاشی‌ها

این دو غزل، نمونه‌هایی از رویکرد شاعر به غزل‌های ساده و لطیف و معنماحور سال‌های اخیر است. با این همه انصاری نژاد فقط به این تجربه از سال‌های اخیر محدود نمانده‌است و مثلاً شکل‌های مدرن‌تر غزل امروز را نیز با زبان و بیان و ذهنیت خویش تجربه کرده‌است.

– شبیه کودکی‌اش گاه گاه می‌گرید

چقدر زل زده در چشم ماه می‌گرید

غروب، مدرسه تعطیل شد، کجاست کلم!

دو چشم مضطربش بین راه می‌گرید (بیرندگان پراکنده.../ص ۹۱)

این حجم از تجربه گراییی امری شایسته تقدیر است و می‌توان امیدوار بود شاعری اینچنین پر تلاش، کمتر به دام تبلی در سرایش برسد. ان‌الله.
محمدحسین انصاری نژاد، در «بیرندگان پراکنده‌اند انسان‌ها» سعی کرده‌سیمای یک شاعر تجربه‌گرا را به مخاطب نشان دهد و امیدواریم در این عرصه موفق باشد.

چشمه درباره نسلی که به آن امیدوارم

محمد علی بهمنی



من به شعر جوان امروز ارادت دارم، به شاعرانش نیز؛ اگرچه گاه از هم نسلان نبشی نوش جان کرده‌ام که طبیعی است. اما نمی‌دانم چرا بعضی از شاعران جوان گاه به هم نسلان خودبی‌مهری می‌کنند! مگر نه این‌ که در هنر هیچ کس توان تسخیر جای دیگری را ندارد؟ مگر نه این که هنر مند موفق نام نسل خود را هم به ثبت می‌رساند؟ مگر نه این که... بگذریم.

پیش از این هم شعر را در گفتگویی به رسماتی تشبیه کرده‌ام که یک سر آن در دست گذشتگان و سر دیگر آن در دست آینده‌است و شعر امروز هم در میان آن قرار دارد و فراز و نشیب‌هایی که در کشاکش دیروز و فردا طی می‌کند، کاملاً طبیعی است.

همواره تر جیح داده‌ام به جای صحت از یک فرد، از یک نسل صحبت کنم چرا که به نسل جوان شعرمان بسیار معتمد و برخلاف هم نسلانم که این نسل را گاهی سرکش یا از دست رفته می‌بیند، من آن را حتی پویاتر از نسل خودم می‌دانم. اگر حرکت آنها را بدقت بررسی کنیم آن گاه حتی ممکن است خود را در حال در جا زدن ببینیم.

آزاده بشارتی یکی از همین شاعران بسیار جوان و خوش ذوق کشورمان است: شاعری از نسلی که من به آن امیدوارم و مطمئن هستم که شعر امروز را به جایگاهی ارزشمندو قابل احترام می‌رساند.

پیش از آن که او را بشناسم شعرش آشنایم شده بود. بعدها ازده بشارتی به اندازه شنیدن چند شعر، باورم شد که توانستی در اوست. تشویقش کردم تا شعر را تر بگیرد و همچنین انتخابی از سروده‌هایش را چاپ کند.

واقعیت این است که شعرهای اولیه هر شاعر، بیوندی زودبیاور و خوشایند بیا او دارد که اگر از حدود پسندنو و پیرامونش خارج نشوند و در نظر گاه مخاطبان حقیقی شعر قرار نگیرند، کودکانی خواهند ماند که همیشه باید دلواپس خروچشان از خانه و آسیب‌پذیری‌شان بود. خوشحالم که آزاده بشارتی «پلک‌های فراموش شده» اش را با شهامتی که شایسته اوست مقابل چشمان مخاطبانش باز کرده و بتازگی مجموعه‌ای از سروده‌هایش را منتشر کرده‌ است.

مجموعه‌ای که اگرچه حجم زیادی ندارد اما برای یک شاعر جوان که در آغاز راه‌است نوید بخش روزهای درخشانی خواهد بود و ما هم منتظر نشستیم تا غزل‌ها و سروده‌های تازه آزاده بشارتی را پس از این بخوانیم.

دفاتر شمال مذب آگهی

نیازمندی‌های

پناهنده

روزنامه‌ای پرکلمه

اقصریه	۳۳۸۱۶۶۰۴	صادقیه برج قلندی بیس	۴۴۲۸۸۲۶۱
انقلاب	۶۶۹۴۱۲۷۳	فلسطین انقلاب	۶۶۹۷۱۴۱۶
برج قلندی بیس	۴۴۲۸۸۵۲۲	هفت لیر	۸۸۳۴۲۲۱۱
مجمع‌دنیای تور	۲۲۳۳۷۶۳۰	عبر داماد	۲۲۲۲۸۴۲۵
جمهوری	۶۶۹۵۱۲۵۳	جمهوری-نواب	۶۶۳۸۱۳۶۰
نواب-فروین	۵۵۴۱۲۹۳۷	شهری	۵۵۹۷۲۶۰۶
نهر انبارسی	۷۷۲۹۱۰۰۱۱	بیروزی	۳۳۳۳۷۵۵۰
عیدان امام حسین	۷۷۶۴۸۹۹۰		

www.pardisnews.com

www.pardisnews.com

www.pardisnews.com

پذیرش دفتر مرکزی ۴۰-۸۸۳۳۸۳۳۴

همچنان در حیرت و سرگردانی به سر می‌برد.